

# قانون نظارت بر رفتار قضات

تئیه و تنظیم توسط سایت موسسه حقوقی داد و مهر قانون مدار

(۲۵/۲/۱۳۹۲) مصوب

## کلیات

ماده ۱- نظارت بر نحوه عملکرد و رفتار قضات و رسیدگی به تخلفات انتظامی و صلاحیت قضائی آنها به شرح مواد این قانون است.

ماده ۲- تمامی قضاتی که به حکم رئیس قوه قضائیه به سمت قضائی منصوب می‌شوند مشمول این قانون می‌باشند.

تبصره - به تخلفات انتظامی قضات دادگاه و دادسرای ویژه روحانیت، مطابق آیین نامه دادسراهای و دادگاههای ویژه روحانیت رسیدگی می‌شود.

ماده ۳- عبارات اختصاری به کار رفته در این قانون در معانی ذیل تعریف می‌گردد:

دادگاه عالی: دادگاه عالی انتظامی قضات

دادگاه عالی تجدیدنظر: دادگاه عالی تجدیدنظر انتظامی قضات

دادسرای: دادسرای انتظامی قضات

دادستان: دادستان انتظامی قضات

دادیار: دادیار انتظامی قضات

دادگاه عالی صلاحیت: دادگاه عالی رسیدگی به صلاحیت قضات

دادگاه عالی تجدیدنظر صلاحیت: دادگاه عالی تجدیدنظر رسیدگی به صلاحیت قضات

## فصل اول - دادگاه عالی و دادسرای انتظامی قضات

ماده ۴- دادگاه عالی و دادگاه تجدیدنظر در تهران تشکیل می شود و بنا به تشخیص رئیس قوه قضائیه دارای شعب متعدد است. هر شعبه دارای یک رئیس و دومستشار است.

تبصره - دادگاههای مذکور به تعداد کافی عضو معاون دارد که در غیاب هر یک از اعضاء با دستور رئیس دادگاه عالی، وظیفه وی را انجام می دهنند.

ماده ۵- رئیس، مستشاران و عضوهای معاون دادگاههای مذکور از بین قضات دارای بالاترین پایه قضائی توسط رئیس قوه قضائیه منصوب می شوند و باید حداقل دارای بیست و پنج سال سابقه کار قضائی باشند و در ده سال اخیر خدمت قضائی خود، محکومیت انتظامی درجه سه و بالاتر نداشته باشند. این قضات را به جز موارد مشمول اصل یکصد و شصت و چهارم (۱۶۴) قانون اساسی نمی توان بدون تمایل آنان تغییر داد.

تبصره - رؤسای شعب دادگاههای عالی و عالی تجدیدنظر در بالاترین گروه شغلی و مستشاران و عضو معاون دادگاههای مذکور به ترتیب در یک گروه و دو گروه پایین تر قرار می گیرند.

ماده ۶- امور زیر در صلاحیت دادگاه عالی است:

۱- رسیدگی به تخلفات انتظامی قضات

۲- رسیدگی به پیشنهاد دادستان در مورد تعلیق قاضی از خدمت قضائی

۳- ترفع پایه قضائی

۴- حل اختلاف بین دادستان انتظامی و دادیار انتظامی موضوع ماده (۲۸) این قانون

۵- رسیدگی به اعتراض به قرار تعلیق تعقیب انتظامی

۶- اظهارنظر در خصوص اشتباه یا تقصیر قاضی موضوع اصل یکصد و هفتاد و یکم (۱۷۱) قانون اساسی و ماده (۳۰) این قانون

۷- سایر امور به موجب قوانین خاص

ماده ۷- به تخلفات اعضاء دادگاههای عالی و عالی تجدیدنظر و دادستان توسط هیأتی مرکب از رؤسائے شعب دیوان عالی کشور که با حضور دوسوم آنان رسمیت می‌یابد رسیدگی می‌شود. ملاک در صدور رأی، نظر اکثریت حاضرین است. رسیدگی در این هیأت منوط به صدور کیفرخواست از جانب دادستان کل کشور است.

تبصره - به تخلفات اداری قضاتی که در زمان ارتکاب دارای سمت اداری بوده‌اند، در دادگاه عالی رسیدگی می‌شود و به تخلفات انتظامی شخصی که از شغل قضائی به شغل اداری انتقال یافته است در صورتی که تخلف مربوط به زمان تصدی وی در شغل قضائی گردد نیز در دادسرا رسیدگی می‌گردد. در هر حال مجازات، مطابق مقررات حاکم در موقع ارتکاب تخلف تعیین می‌شود.

ماده ۸- دادسرا در معیت دادگاه عالی مطابق این قانون انجام وظیفه می‌نماید.

ماده ۹- ریاست دادسرا به عهده دادستان است که باید حداقل دارای بیست‌سال سابقه کار قضائی باشد و در ده سال اخیر خدمت خود محکومیت انتظامی درجه سه یا بالاتر نداشته باشد.

ماده ۱۰- دادستان به تعداد کافی معاون و دادیار دارد. دادیار و معاون دادسرا باید حداقل دارای پانزده‌سال سابقه کار قضائی باشند و در ده سال اخیر خدمت قضائی خود محکومیت انتظامی درجه سه یا بالاتر نداشته باشند.

ماده ۱۱- وظایف و اختیارات دادسرا عبارت است از:

۱- بازرسی و کشف تخلفات انتظامی قضات و تعقیب انتظامی آنان در هر مقام و رتبه

۲- نظارت مستمر بر عملکرد قضات، ارزشیابی آنان و تحقیق در اعمال و رفتار منافي با حیثیت و شأن قضائی با رعایت حریم خصوصی آنان

۳- پیشنهاد تعلیق قاضی از خدمت قضائی به دادگاه عالی

۴- پیشنهاد تشویق قضات دارای خدمات علمی یا عملی بر جسته به رئیس قوه قضائیه

۵- پیشنهاد جایه‌جایی قضات به رئیس قوه قضائیه در اجرای اصل یکصد و شصت و چهارم (۱۶۴) قانون اساسی

۶- بازرسی و تهیه گزارش در مورد عملکرد قضات بر حسب درخواست رئیس قوه قضائیه

۷- سایر وظایف به موجب قوانین خاص

تبصره - درخواست تعلیق قاضی و صدور کیفرخواست و قرار تعلیق تعقیب انتظامی فقط بر عهده دادستان است. در غیاب دادستان یا موارد رَّدادرس، معاون اول وی این امور را بر عهده دارد.

ماده ۱۲- نحوه بازرسی، نظارت و ارزشیابی رفتار و عملکرد قضات بر اساس آیین نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون به پیشنهاد دادستان به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

## فصل دوم - مجازاتها و تخلفات انتظامی

ماده ۱۳- مجازاتهای انتظامی قضات سیزده درجه به شرح زیر است:

۱- توبیخ کتبی بدون درج در سابقه خدمتی

۲- توبیخ کتبی با درج در سابقه خدمتی

۳- کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از یک ماه تا شش ماه

۴- کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از شش ماه تا یک سال

۵- کسر حقوق ماهانه تا یک سوم از یک سال تا دو سال

۶- تنزل یک پایه قضائی و در مورد قضات نظامی تنزل یک درجه نظامی یا رتبه کارمندی

۷- تنزل دو پایه قضائی و در مورد قضات نظامی تنزل دو درجه نظامی یا دو رتبه کارمندی

۸- انفصال موقت از یک ماه تا شش ماه

۹- انفصال موقت از شش ماه تا یک سال

۱۰- خاتمه خدمت از طریق بازنیستگی با داشتن حداقل بیست و پنج سال سابقه و باخرید خدمت در صورت داشتن کمتر از بیست و پنج سال سابقه

۱۱- تبدیل به وضعیت اداری و در مورد قضات نظامی لغو ابلاغ قضائی و اعاده به یگان خدمتی

۱۲- انفال دائم از خدمت قضائی

۱۳- انفال دائم از خدمات دولتی

ماده ۱۴- مرتكبان هر یک از تخلفات ذیل با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، به یکی از مجازاتهای انتظامی درجه یک تا چهار محکوم می‌شوند:

۱- درج نکردن مشخصات خود یا امضاء نکردن زیر صور تجلسات، اوراق تحقیق و تصمیمات یا ناخوانانوشتن یا به کار بردن کلمه یا عبارت سبک و ناپسند

۲- عدم اعلام ختم دادرسی در دادگاه و ختم تحقیقات در دادسرا یا تأخیر غیرموجه کمتر از یک ماه در صدور رأی و اجرای آن

۳- عدم حضور عضو دادگاه در جلسه رسیدگی بدون عذر موجه یا شرکت نکردن وی در مشاوره و صدور رأی و امضاء آن یا عدم تشکیل جلسه رسیدگی در روز مقرر بدون عذر موجه

۴- عدم نظارت منتهی به بی‌نظمی متصدیان امور شعب مراجع قضائی بر عملکرد اداری شعب

۵- عدم اعمال نظارت مراجع عالی قضائی نسبت به مراجع تالی و دادستان نسبت به دادیار و بازپرس از حیث دادن تعليمات و تذکرات لازم و اعلام تخلفات، مطابق قوانین مربوط

۶- بی‌نظمی در ورود به محل کار و خروج از آن یا عدم حضور در نوبت کشیک، جلسات هیأتها و کمیسیونهایی که قاضی موظف به شرکت در آنها است، بدون عذر موجه و بیش از سه مورد در ماه یا سه نوبت متوالی

۷- غیبت غیرموجه و حداکثر به مدت یک تا پنج روز متوالی یا متناوب در یک دوره سه ماهه

۸- اهمال در انجام وظایف محوله

۹- اعلام نظر ماهوی قاضی پیش از صدور رأی

ماده ۱۵- مرتكبان هر يك از تخلفات ذيل با توجه به اهميت و شرایط ارتکاب به يكى از مجازاتهای انتظامی درجه چهار تا هفت محکوم خواهند شد:

۱- صدور رأی غیرمستند یا غیرمستدل

۲- غیبت غیرموجه از شش تا سی روز در يك دوره سه ماهه یا خودداری غیرموجه از عزیمت به محل خدمت یا ترك خدمت به مدت کمتر از سی روز

۳- دستور تعیین وقت دادرسی خارج از ترتیب دفتر اوقات بدون علت موجه

۴- تأخیر یا تجدید وقت دادرسی بدون وجود جهت قانونی و بدون ذکر آن

۵- رعایت نکردن مقررات مربوط به صلاحیت رسیدگی اعم از ذاتی یا محلی

۶- رفخار خارج از نزاکت حین انجام وظیفه یا به مناسب آن

۷- تأخیر غیرموجه بیش از يك ماه در صدور رأی و اجرای آن

۸- عدم رعایت مقررات مربوط به تشکیل جلسه دادرسی و ابلاغ وقت رسیدگی

۹- خودداری از اعلام تخلفات کارکنان اداری، ضابطان، و کلاه دادگستری، کارشناسان رسمی دادگستری، مشاوران حقوقی قوه قضائیه و مترجمان رسمی به مراجع مربوط، در موارد الزام قانون

ماده ۱۶- مرتكبان هر يك از تخلفات زير با توجه به اهميت و شرایط ارتکاب، به يكى از مجازاتهای انتظامی درجه شش تا ده محکوم می شوند:

۱- سوء استفاده از اموال دولتی، عمومی و توقيفي

۲- خودداری از اعتبار دادن به مفاد اسناد ثبتی بدون جهت قانونی

۳- خودداری از پذیرش مستندات و لوایح طرفین و وکلاء آنان جهت ثبت و ضبط فوری در پرونده

۴- خودداری غیرموجه از عزیمت به محل خدمت در موعد مقرر یا ترك خدمت بیش از سی روز

۵- استنکاف از رسیدگی و امتناع از انجام وظایف قانونی

ماده ۱۷- مرتكبان هر یک از تخلفات ذیل با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، به یکی از مجازاتهای انتظامی درجه هشت تا سیزده

محکوم می‌شوند:

۱- گزارش خلاف واقع و مفترضانه قضات نسبت به یکدیگر

۲- اشتغال همزمان به مشاغل مذکور در اصل یکصد و چهل و یکم (۱۴۱) قانون اساسی یا کارشناسی رسمی دادگستری، مترجمی رسمی، تصدی دفتر ازدواج، طلاق و استناد رسمی و اشتغال به فعالیتهای تجاری موضوع ماده (۱) قانون تجارت

۳- خارج کردن مستندات و لوایح طرفین از پرونده

۴- خروج از بی‌طرفی در انجام وظایف قضائی

۵- پذیرفتن هرگونه هدیه یا خدمت یا امتیاز غیرمتعارف به اعتبار جایگاه قضائی

۶- رفتار خلاف شأن قضائی

تبصره - رفتار خلاف شأن قضائی عبارت است از انجام هرگونه عملی که در قانون، جرم عمدی شناخته می‌شود و یا خلاف عرف مسلم قضات است به نحوی که قضات آن را مذموم بدانند.

ماده ۱۸- تخلف از قوانین موضوعه که در این قانون یا سایر قوانین، برای آن مجازات پیش‌بینی نشده است با توجه به اهمیت و شرایط ارتکاب، مستلزم یکی از مجازاتهای انتظامی درجه دو تا پنج است.

تبصره - اگر تخلف از قانون، عمدی و برای اجرای مقصودی له یا علیه یکی از اصحاب دعوی یا به لحاظ پذیرفتن توصیه و مغلوب نفوذ شدن صورت گیرد و منتهی به تضییع حق یا تأخیر در انجام وظیفه یا ترک آن گردد، مرتكب نسبت به اهمیت و شرایط ارتکاب، به یکی از مجازاتهای انتظامی درجه هشت تا سیزده محکوم می‌شود.

ماده ۱۹- ارتکاب فعل واحد که واجد عناوین تخلفات متعدد باشد مستوجب تعیین یک مجازات انتظامی است و چنانچه تخلفات ارتکابی دارای مجازاتهای متفاوتی باشند، مرتكب به مجازات تخلفی که مجازات شدیدتری دارد محکوم می‌شود.

ماده ۲۰- چنانچه ظرف دو سال تخلفی که در گذشته برای آن مجازات تعیین و اجراء شده است، تکرار شود، مرتكب به مجازاتی حداقل یک درجه بیشتر از مجازات قبلی، موضوع ماده (۱۳) این قانون محکوم می‌شود.

ماده ۲۱- به محکومین مستوجب مجازات بند (۱۲) ماده (۱۳) این قانون (در صورت تقاضا) و همچنین بند (۱۳) ماده مزبور، معادل وجوهی که در طی سنت خدمت به صندوق بازنشستگی واریز نموده‌اند با رعایت تغییر شاخص قیمت سالانه موضوع مفاد ماده (۵۲۲) قانون آین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی پرداخت می‌گردد.

### فصل سوم - آین رسیدگی به تخلفات انتظامی

ماده ۲۲- جهات قانونی برای شروع تعقیب و رسیدگی انتظامی به قرار زیر است:

۱- شکایت ذی‌نفع یا نماینده قانونی او

۲- اعلام رئیس قوه قضائیه

۳- اعلام رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور

۴- اعلام شعبه دیوان عالی کشور در مقام رسیدگی به پرونده قضائی

۵- ارجاع دادگاه عالی

۶- اطلاع دادستان

تبصره ۱- در مورد بند (۶) هرگاه دادستان پس از بررسی ابتدائی موارد اعلام شده را بی‌اساس تشخیص دهد، دستور بایگانی آن را صادر می‌کند و در غیر این صورت برای رسیدگی به یکی از دادیاران ارجاع می‌نماید.

تبصره ۲- تصمیم دادسرا مبنی بر تعقیب یا عدم آن به نحو مقتضی به اطلاع شاکی می‌رسد.

ماده ۲۳- رؤسای دادگستری مرکز استانها موظفند شکایات انتظامی مردم در برابر قضات را دریافت نموده و پس از ثبت در دفتر مخصوص و تسلیم رسید به شاکی حداقل ظرف یک هفته به دادسرای انتظامی قضات ارسال نمایند.

تبصره - شاکی می‌تواند برای شکایت یا اطلاع از روند پرونده به دادسرای انتظامی قضات نیز مراجعه نماید.

ماده ۲۴- چنانچه دادیار در حین رسیدگی به پرونده، تخلف دیگری را کشف کند موظف است نسبت به آن نیز رسیدگی و اظهار نظر نماید.

تبصره - چنانچه عمل ارتکابی قاضی عنوان جزائی نیز داشته باشد مدارک مربوط جهت رسیدگی برای مرجع صالح قضائی ارسال می شود.

ماده ۲۵- در موارد زیر تعقیب انتظامی موقوف می شود:

۱- موضوع پرونده انتظامی قبل از رسیدگی شده باشد.

۲- موضوع پرونده انتظامی مشمول مرور زمان شده باشد.

۳- قاضی که تخلف به وی منسوب است، فوت شده یا بازنشسته، باخرید، مستعفی و یا به هر نحو دیگر از خدمت قضائی به طور دائم منفك شده باشد.

تبصره - مدت مرور زمان تعقیب انتظامی از تاریخ وقوع تخلف و یا آخرین اقدام تعقیبی سه سال است.

ماده ۲۶- قضات دادسرا در جهت انجام وظایف می توانند اطلاعات، اسناد و اوراق مورد نیاز را از مراجع قضائی، وزارت خانه ها، مؤسسات، شرکتهای دولتی و مؤسسات عمومی غیردولتی مطالبه نمایند.

مراجع مزبور مکلفند به فوریت نسبت به اجابت خواسته اقدام و نتیجه را اعلام نمایند. عدم اجابت به موقع، تخلف اداری محسوب و متخلف یا مقام مسؤول مراجع مذکور، به یک ماه تا یک سال انفصل از خدمت محکوم می شود.

ماده ۲۷- قضات دادسرا می توانند راجع به تخلف انتظامی از ذی نفع، افراد مطلع و قاضی که تخلف منتب به او است با رعایت شأن قضائی توضیحات لازم راأخذ نمایند.

ماده ۲۸- در صورتی که دادیار پس از رسیدگی، عقیده به تعقیب قاضی داشته باشد و دادستان هم با وی موافق باشد، کیفر خواست تنظیم و پرونده جهت رسیدگی به دادگاه عالی ارسال می شود و چنانچه دادستان به منع یا موقوفی تعقیب انتظامی معتقد باشد با

اصرار دادیار بر نظر خود، پرونده جهت حل اختلاف به دادگاه عالی ارسال می‌شود و رأی دادگاه متبع خواهد بود. در سایر موارد نظر دادستان لازم الاتباع است.

ماده ۲۹- دادستان می‌تواند با وجود احراز تخلف از ناحیه قاضی با توجه به میزان سابقه و تجربه قضائی و همچنین با در نظر گرفتن حسن سابقه و درجه علاقمندی قاضی به انجام وظایف محوله و سایر اوضاع و احوال قضیه، تعقیب انتظامی او را تعیق و مراتب را به او اعلام نماید، مشروط بر این که تخلف مزبور مستلزم مجازات انتظامی از درجه هشت و بالاتر نباشد.

ماده ۳۰- رسیدگی به دعوای جبران خسارت ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی موضوع اصل یکصد و هفتاد و یکم (۱۷۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در صلاحیت دادگاه عمومی تهران است. رسیدگی به دعوای مذکور در دادگاه عمومی منوط به احراز تقصیر یا اشتباه قاضی در دادگاه عالی است.

تبصره - تعیق تعقیب یا موقوفی تعقیب انتظامی یا عدم تشکیل پرونده مانع از رسیدگی دادگاه عالی به اصل وقوع تقصیر یا اشتباه قاضی نیست.

ماده ۳۱- قاضی که تعقیب انتظامی او تعیق شده است، در صورت ادعاء عدم ارتکاب تخلف می‌تواند ظرف بیست روز پس از ابلاغ قرار تعیق تعقیب، رسیدگی به موضوع را از دادگاه عالی درخواست کند. در این صورت چنانچه دادگاه عالی، قاضی را متخلف تشخیص دهد او را به مجازات انتظامی محکوم می‌کند.

ماده ۳۲- تعیق تعقیب انتظامی هر قاضی با رعایت شرایط مقرر در این قانون برای هر دو سال از تاریخ ابلاغ قرار تعیق بیش از یکبار امکانپذیر نیست. در صورتی که قاضی با وجود برخورداری از تعیق تعقیب، ظرف دو سال از تاریخ ابلاغ قرار مذکور، مرتکب تخلف جدیدی شود با صدور کیفرخواست دادستان، تخلف مشمول تعیق نیز در دادگاه عالی، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

ماده ۳۳- به تخلفات انتظامی قضات در دادگاه عالی و به موجب کیفرخواست دادستان و در محدوده کیفرخواست رسیدگی می‌شود.

ماده ۳۴- رئیس شعبه اول دادگاه عالی، پس از وصول پرونده، رسیدگی را به یکی از شعب ارجاع می نماید. شعبه پس از ثبت پرونده، نسخه ای از کیفرخواست را از طریق رئیس کل دادگستری استان در اسرع وقت به نحو محترمانه به قاضی تحت تعقیب انتظامی ابلاغ می کند و نسخه دوم ابلاغ شده، اعاده می گردد. قاضی یاد شده می تواند دفاعیات خود را به همراه مستندات طرف یک ماه پس از ابلاغ ارائه نماید.

تبصره ۱- ابلاغ جز در موارد مصريح در اين قانون،تابع آين دادرسي مدنی است.

تبصره ۲- در غياب رئیس شعبه اول دادگاه عالی، پروندهها، به ترتیب توسط رؤسائ شعب بعدی ارجاع می شود.

ماده ۳۵- جلسه دادگاه عالی با حضور رئیس و دو مستشار تشکیل می شود و در صورت عدم حضور هریک از آنان عضو معاون جایگزین می گردد و رأی اکثریت، مناط اعتبار است. در صورت درخواست دادستان یا صلاح دید دادگاه، دادستان یا یکی از معاونان یا دادیاران به نمایندگی از وی به منظور دفاع از کیفرخواست و اداء توضیحات لازم در جلسه حضور می یابد.

ماده ۳۶- آراء دادگاه عالی مبني بر محکومیت قاضی به مجازات تا درجه پنج، قطعی و در سایر موارد توسط محکوم عليه و در مورد آراء برائت توسط دادستان، ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه عالی تجدیدنظر است.

تبصره ۱- شروع مهلت اعتراض برای دادستان، تاریخ وصول پرونده در دیپرخانه دادسرا است.

تبصره ۲- نحوه ابلاغ آراء به شیوه ابلاغ کیفرخواست است.

ماده ۳۷- محکوم عليه می تواند نسبت به تمامی احکام محکومیت قطعی یا قطعیت یافته به مجازات درجه پنج به بالا، صادره از دادگاه عالی یا دادگاه عالی تجدیدنظر، در صورت وجود یکی از موجبات اعاده دادرسی، درخواست اعاده دادرسی نماید. این درخواست حسب مورد به دادگاه عالی یا دادگاه عالی تجدیدنظر صادر کننده رأی تقدیم و در صورت تجویز اعاده دادرسی از سوی دادگاه مذکور، در همان دادگاه رسیدگی می شود.

تبصره - جهات اعاده دادرسی در این ماده، تابع آین دادرسی کیفری است.

ماده ۳۸- اجرای احکام قطعی دادگاههای عالی بر عهده دادسرا است.

## فصل چهارم - تعلیق قاضی

ماده ۳۹- هرگاه قاضی در مطان ارتکاب جرم عمدى قرار گیرد، دادستان موضوع را بررسی و چنانچه دلایل و قرائن، دلالت بر توجه اتهام داشته باشد، تعلیق وی از سمت قضائی را تا صدور رأی قطعی توسط مرجع ذیصلاح و اجرای آن، از دادگاه عالی تقاضا می‌کند. دادگاه مذکور پس از رسیدگی به دلایل، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید.

تبصره ۱- مرجع کیفری صالح می‌تواند تعلیق قضائی را جهت اقدام مقتضی از دادستان درخواست نماید.

تبصره ۲- دادستان مکلف است، پیش از اظهارنظر راجع به تعلیق قضائی به وی اعلام کند که می‌تواند ظرف یک هفته پس از ابلاغ، اظهارات خود را به طور کتبی یا با حضور در دادسرا اعلام نماید. دادگاه عالی نیز در صورت اقتضاء به همین ترتیب اقدام می‌نماید.

تبصره ۳- در صورتی که درخواست تعلیق قضائی از سوی دادسرا یا دادگاه عالی رد شود و پس از آن دلیل جدیدی کشف شود، مرجع کیفری صالح می‌تواند بررسی مجدد موضوع تعلیق را از دادستان درخواست نماید.

ماده ۴۰- تعقیب قضائی در جرائم غیرعمدی، پس از اعلام مرجع کیفری و اجازه دادستان صورت می‌گیرد مگر آن که تعقیب یا اجرای حکم مستلزم جلب یا بازداشت قضائی باشد که در این صورت مطابق ماده (۳۹) این قانون عمل می‌شود.

تبصره - احضار قضائی که برابر این ماده، بدون تعلیق، مورد تعقیب قرار می‌گیرد و نیز احضار قضائی به عنوان شاهد و مطلع فقط از طریق رئیس کل دادگستری استان و به صورت محترمانه انجام می‌شود.

ماده ۴۱- هرگونه احضار، جلب و بازداشت قضات و بازرسی محل سکونت، محل کار و اماکنی که در تصرف آنان است، بدون رعایت مواد این فصل ممنوع است و مرتكب به مجازات بازداشت غیرقانونی محکوم می‌شود.

ماده ۴۲- قاضی تعلیق شده در ایام تعلیق از یک سوم تمام حقوق و مزايا برخوردار و در صورت برائت یا منع تعقیب، مستحق دریافت مابقی آن است.

ماده ۴۳- تعقیب و یا محکومیت کیفری و یا عدم هریک، مانع تعقیب و محکومیت انتظامی نیست.

## فصل پنجم - رسیدگی به صلاحیت قضاط

ماده ۴۴- رسیدگی به صلاحیت قضاطی که صلاحیت آنان طبق موازین شرعی و قانونی از ناحیه مقامات مصروف در این قانون مورد تردید قرار گیرد، با «دادگاه عالی رسیدگی به صلاحیت قضاط» است. صلاحیت قاضی می‌تواند توسط یکی از مقامات ذیل مورد تردید قرار گیرد:

۱- رئیس قوه قضائیه

۲- رئیس دیوان عالی کشور

۳- دادستان کل کشور

۴- رؤسای شعب دادگاه عالی و تجدیدنظر آن

۵- دادستان انتظامی قضاط

۶- رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح نسبت به قضاط آن سازمان

تبصره ۱- این دادگاه فقط به صلاحیت قضاطی که صلاحیت آنها مورد تردید قرار گرفته است رسیدگی می‌کند و سایر موارد در صلاحیت دادگاه عالی انتظامی قضاط است.

تبصره ۲- رئیس قوه قضائیه در صورت تأیید رأی قطعی این دادگاه، دستور اجرای آن را صادر می‌نماید.

ماده ۴۵- در صورت تردید نسبت به صلاحیت قاضی طبق ماده قبل، موضوع از سوی مقام تردیدکننده صلاحیت به نحو مستند و مستدل به کمیسیون رسیدگی به صلاحیت قضاط مرکب از اشخاص ذیل اعلام می‌گردد:

۱- معاون قضائی رئیس قوه قضائیه

۲- معاون حقوقی و امور مجلس وزارت دادگستری

### ۳- معاون قضائی رئیس دیوان عالی کشور

### ۴- دادستان انتظامی قضات

کمیسیون مذکور، موضوع را در اسرع وقت بررسی و پس از استماع مدافعت و اظهارات قاضی که در صلاحیتش تردید شده، چنانچه نظر بر عدم صلاحیت وی داشته باشد، نتیجه را حداکثر طرف ده روز به دادگاه، گزارش خواهد داد. کمیسیون یاد شده، با حضور اکثریت اعضاء رسمیت می‌یابد و رأی اکثریت، مناط اعتبار است. دیگر این کمیسیون، دادستان است.

ماده ۴۶- دادگاه عالی صلاحیت پس از بررسی گزارش کمیسیون و استماع مدافعت و اظهارات قاضی که در صلاحیتش تردید شده است، در صورت احراز عدم صلاحیت، حسب مورد وی را به یکی از مجازاتهای ذیل محکوم می‌نماید:

۱- تبدیل به وضعیت اداری و در مورد قضات نظامی لغو ابلاغ قضائی و اعاده به یگان خدمتی

۲- بازخریدی

### ۳- بازنشستگی در صورت دارا بودن شرایط قانونی

۴- انفصل دائم از مشاغل قضائی

۵- انفصل دائم از خدمات دولتی

تبصره ۱- عدم ارائه لایحه دفاعیه یا عدم حضور قاضی در دادگاه، با وجود ابلاغ وقت، مانع از رسیدگی نیست.

تبصره ۲- مشمولین بندهای (۴) و (۵) این ماده از مزایای ماده (۲۱) این قانون بهره‌مند می‌شوند.

ماده ۴۷- چنانچه عدم صلاحیت قاضی ناشی از عدم توانایی وی در انجام وظایف محوله باشد، حسب مورد به تنزل مقام (سمت قضائی) یا تبدیل به وضعیت اداری محکوم می‌شود.

ماده ۴۸- رأی دادگاه عالی صلاحیت طرف یک ماه از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر از طرف محکوم علیه در دادگاه عالی تجدیدنظر صلاحیت است. محکوم علیه می‌تواند تقاضای تجدیدنظر خود را به دفتر دادگاه تقدیم نماید.

ماده ۴۹- دادگاه عالی صلاحیت و تجدیدنظر آن از سه عضو تشکیل می‌شود و در تهران مستقر است. رئیس و اعضاء دادگاه عالی صلاحیت از بین قضاط گروه یازده و رئیس و اعضاء تجدیدنظر آن از بین قضاط گروه دوازده توسط رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شوند. قضاط یاد شده باید حداقل بیست سال سابقه کار قضائی داشته باشد.

تبصره - در صورتی که در بالاترین گروه به تعداد کافی قاضی نباشد یا از رسیدگی معدوم باشند، اعضاء دادگاه عالی تجدیدنظر صلاحیت، از بین قضاط گروه یازده و بالاتر توسط رئیس قوه قضائیه تعیین می‌شوند.

ماده ۵۰- دادگاههای مذکور در این فصل، با حضور تمامی اعضاء رسمیت می‌یابد و رأی اکثریت مناطق اعتبار است. ابلاغ رأی با دفتر دادگاه است.

تبصره - تصمیمات به نشانی اعلام شده توسط قاضی به کمیسیون به نحو محرمانه ابلاغ می‌شود و هرگاه قاضی آدرس اعلام نکرده باشد، آخرین نشانی موجود در محل خدمت وی معتبر است.

ماده ۵۱- چنانچه نظر کمیسیون یا دادگاههای مذکور در این فصل بر تأیید صلاحیت قاضی است، پرونده مختومه می‌شود.

ماده ۵۲- اجرای حکم قطعی محکومیت با دادسرا است.

ماده ۵۳- چنانچه عمل ارتکابی قاضی عنوان جزائی نیز داشته باشد، مدارک مربوط به مراجع صالحه قضائی جهت رسیدگی ارسال می‌شود.

ماده ۵۴- جهات رد قضاط مذکور در این قانون همان موارد رد دادرس در آین دادرسی مدنی است.

ماده ۵۵- آین نامه اجرائی این قانون ظرف سه ماه توسط وزارت دادگستری با همکاری دادستان، تدوین و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

ماده ۵۶- از تاریخ لازم الاجراء شدن این قانون، تمامی قوانین و مقررات زیر ملغی می‌باشد:

۱- ماده (۱۱۳) قانون اصول تشکیلات عدالیه مصوب ۲۷/۴/۱۳۰۷

۲- مواد (۲۱)، (۲۳)، (۲۸) و (۳۱) قانون استخدام قضات و صاحب منصبان پارکه و مبادرین ثبت اسناد مصوب ۲۸/۱۲/۱۳۰۶

۳- ماده (۱) قانون راجع به محاکمه انتظامی مصوب ۶/۱۱/۱۳۰۷

۴- قانون صلاحیت محاکمه انتظامی مصوب ۱۳/۸/۱۳۰۹

۵- ماده (۵۱) قانون تسریع محاکمات اصلاحی مصوب ۶/۱۰/۱۳۱۵

۶- ماده (۴) قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانون تکمیل قانون استخدام قضات مصوب ۱۱/۱۰/۱۳۱۷

۷- مواد (۳۰) و (۳۳) لغایت (۴۳) لایحه اصلاح قسمتی از قانون اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات مصوب

۱۴/۱۲/۱۳۳۳

۸- بندهای (ج)، (و) و (ه) ماده (۱) و مواد (۲) و (۳) قانون متمم سازمان دادگستری و اصلاح قسمتی از لایحه قانونی اصول تشکیلات دادگستری و استخدام قضات مصوب ۱۷/۶/۱۳۳۵

۹- ماده (۳) راجع به تجدیدنظر کردن در احکام دادگاه عالی انتظامی قضات مصوب ۹/۱۰/۱۳۳۷

۱۰- مواد (۲) و (۶) لایحه قانونی راجع به اصلاح بعضی مواد لوایح قانون مربوط به اصول تشکیلات دادگستری مصوب

۲۱/۲/۱۳۳۹

۱۱- مواد (۲۶) و (۲۷) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۲۵/۳/۱۳۵۶

۱۲- لایحه قانونی تعیین مرجع تجدیدنظر و اعاده دادرسی نسبت به احکام دادگاه عالی انتظامی قضات مصوب ۲۴/۳/۱۳۵۸

۱۳- بند (۵) ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مصوب ۲۸/۱۲/۱۳۷۳

۱۴- قانون رسیدگی به صلاحیت قضات مصوب ۱۷/۲/۱۳۷۶

قانون فوق مشتمل بر پنجاه و شش ماده و بیست و هشت تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ هفدهم مهرماه یکهزار و سیصد و نود مجلس شورای اسلامی تصویب شد و در تاریخ ۲۷/۷/۱۳۹۰ به تأیید شورای نگهبان رسید.

رئيس مجلس شورای اسلامی - علی لاریجانی

آئین نامه اجرایی نظارت بر رفتار قضات مصوب ۳۰/۲/۱۳۹۲

در اجرای ماده ۵۵ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۷/۷/۱۳۹۰ مجلس شورای اسلامی و بنا به پیشنهاد وزیر دادگستری، آئین نامه اجرایی قانون نظارت بر رفتار قضات به شرح مواد آتی تصویب می‌شود:

کلیات

ماده ۱- عبارات اختصاری در این آئین نامه در معانی زیر به کار رفته است:

دادگاه عالی: دادگاه عالی انتظامی قضات

دادگاه عالی تجدید نظر: دادگاه عالی تجدید نظر انتظامی قضات

دادسرای انتظامی قضات

دادستان انتظامی قضات

دادیار انتظامی قضات

**دادگاه عالی صلاحیت: دادگاه عالی رسیدگی به صلاحیت قضات**

سابقه قضایی: مدتی که دارنده پایه قضایی در مراجع قضایی اشتغال دارد.

**دادگاه عالی تجدید نظر صلاحیت: دادگاه عالی تجدیدنظر رسیدگی به صلاحیت قضات**

مرجع صالح کیفری: دادسرا یا دادگاه صالح رسیدگی به جرائم قضات

**کمیسیون: کمیسیون رسیدگی به صلاحیت قضات**

دبیر: دبیر کمیسیون رسیدگی به صلاحیت قضات

قانون: قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷ مجلس شورای اسلامی

آین نامه: آین نامه اجرایی قانون نظارت بر رفتار قضات

ماده ۲- نظارت انتظامی بر عملکرد و رفتار قضات از حیث رعایت شئون قضایی و رسیدگی به تخلفات و صلاحیت قضایی آنها براساس قانون و آین نامه می باشد.

ماده ۳- تمامی قضاتی که به حکم رئیس قوه قضاییه به سمت قضایی منصوب می شوند از جمله قضات آزمایشی و قضات جانباز حالت اشتغال مشمول قانون می باشند.

ماده ۴- به تخلفات قضات دادگاه و دادسرای ویژه روحانیت اعم از روحانی و غیرروحانی که حین یا به سبب خدمت قضایی در آن نهاد مرتكب شوند مطابق آین نامه دادسراها و دادگاههای ویژه روحانیت رسیدگی می شود.

## فصل اول - تشکیلات

ماده ۵- دادگاه عالی و دادگاه عالی تجدیدنظر در تهران تشکیل می شود و بنا به تشخیص ریس قوه قضائیه دارای شعب متعدد است. هر شعبه دارای یک ریس و دو مستشار می باشد.

تبصره - ریس شعبه اول دادگاه عالی بر شعب دادگاه عالی و دادگاه عالی تجدیدنظر نظارت اداری دارد.

ماده ۶- ترفیع پایه قضایی دارندگان پایه قضایی به موجب دستورالعملی است که توسط رئیس شعبه اول دادگاه عالی پیشنهاد و به تصویب ریس قوه قضائیه خواهد رسید.

ماده ۷- دادستان به تعداد کافی دارای معاون و دادیار است و می تواند اختیارات و وظایف قابل تفویض خود را به معاونین دادسرا محول نماید.

## فصل دوم - تخلفات انتظامی

ماده ۸- منظور از درج نکردن مشخصات خود موضوع بند ۱۴ قانون درج نکردن نام و نام خانوادگی و سمت قاضی می باشد.

ماده ۹- عدم شرکت قاضی در جلسات هیأت‌ها و کمیسیون‌های موضوع بند ۶ ماده ۱۴ قانون چنانچه در وقت غیراداری باشد در صورتی تخلف محسوب می‌شود که قبل از تمايل قاضی اخذ شده باشد.

ماده ۱۰- مدیران بخش‌های مختلف قضایی موظفند تخلفات قضات موضوع قسمت اخیر بند دو و بند هفت ماده چهارده، بند دو ماده پانزده و بند چهار ماده شانزده قانون را به کارگزینی قضات و دادسرا گزارش نمایند. کارگزینی نیز موظف است به محض اطلاع از هر طریق، مراتب را به دادسرا اعلام نماید.

ماده ۱۱- در صورتی که قاضی قبل از لازم‌الاجراء شدن قانون مبادرت به اخذ پروانه مشاغل موضوع بند ۲ ماده ۱۷ قانون نموده باشد باید در اسرع وقت پروانه خود را به مرجع مربوطه تحويل و تا زمانی که به شغل قضات اشتغال دارد حق فعالیت در مشاغل مزبور و نیز اشتغال به موارد مذکور در ماده دو قانون تجارت را ندارد.

ماده ۱۲- منظور از عمل خلاف عرف مسلم قضات موضوع تبصره بند ۶ ماده ۱۷ قانون هر فعل یا ترک فعلی است که موجب تخفیف جایگاه قضایی یا ایجاد بدینی یا بی‌اعتمادی مردم نسبت به دستگاه قضایی گردد؛ مانند استعمال الفاظ نامناسب با شأن قضایی، تندخویی نسبت به مراجعین یا همکاران دفتری و قضایی، استفاده از لباس نامناسب و غیرمعارف در ملاء عام یا محل کار، ارتباط نامتعارف با طرف پرونده و کلاء یا کارشناسان، همنشینی با افراد نایاب و کسانی که دارای سوء شهرت هستند.

ماده ۱۳- تعقیب انتظامی از حیث رفتار خلاف‌شان قضایی در جرائم عمدی موضوع بند ۶ ماده ۱۳ قانون منوط به صدور حکم محکومیت قطعی در امر کیفری نمی‌باشد. لکن صرف محکومیت قطعی از سوی مرجع صالح کیفری برای تعقیب و کیفر انتظامی کافی است.

ماده ۱۴- کسانی که براساس ماده ۲۱ قانون درخواست دریافت معادل وجوده پرداختی به صندوق بازنشستگی را نموده‌اند. اداره کل کارگزینی قضات و امور مالی قوه قضاییه مکلفند حداکثر طرف سه ماه نسبت به تمهید مقدمات قانونی پرداخت وجوده مزبور در حدود امور مربوط به وظائف خود اقدام نمایند.

### فصل سوم - آیین رسیدگی به تخلفات انتظامی

ماده ۱۵- شکواییه انتظامی باید حاوی نکات ذیل باشد:

۱- نام، نام خانوادگی، نشانی اقامتگاه، کدپستی، کدملی، و در صورت امکان شماره تلفن ثابت، تلفن همراه، دورنگار، پست الکترونیک.

۲- سمت شاکی انتظامی در پرونده قضایی و ذکر شماره پرونده در صورتی که شکایت ناظر به پرونده باشد.

۳- هویت قاضی یا قضات مورد شکایت.

۴- مشخص بودن (کلی نبودن) شکواییه و در صورت امکان ارائه مستندات اثبات شکایت.

۵- امضاء شاکی یا نماینده قانونی وی و در صورت عجز از امضاء، اثر انگشت او.

تبصره ۱- در صورتی که شکواییه فاقد یکی از نکات مذبور باشد، بایگانی می‌شود.

تبصره ۲- در صورتی که شکواییه فاقد برخی از نکات فوق باشد لکن به تشخیص دادستان موضوع مهم و قابل رسیدگی باشد. در اجرای تبصره ۱ ماده ۲۲ قانون، شکواییه به دادیار ارجاع و دادیار مذبور رسیدگی و اظهارنظر می‌نماید.

تبصره ۳- نماینده قانونی اعم است از وکیل، ولی، وصی، قیم و یا اشخاصی که قائم مقام قانونی محسوب می‌گردند. در صورتی که اقامه شکایت از طرف وکیل باشد باید حق داشتن شکایت انتظامی در وکالتنامه تصریح شده باشد.

تبصره ۴- شکایات واصله به دادگستری مراکز استان‌ها موضوع ماده ۲۳ قانون با رعایت نکات فوق الذکر در دییرخانه ثبت و ظرف یک هفته جهت رسیدگی به دادسرا ارسال می‌گردد.

ماده ۱۶- مرکز حفاظت و اطلاعات کل قوه قضاییه در صورت وصول گزارش‌هایی علیه قضات موضوع را به دادستان گزارش نموده و پس از اخذ مجوز قضایی لازم و با رعایت شئون قضایی و به نحوی که به حیثیت قضایی قاضی خدشه‌ای وارد نشود تحقیقات لازم را انجام و نتیجه را در مهلت مقرر به مقام مذبور گزارش می‌دهد.

ماده ۱۷- تصمیم دادسرا مبنی بر تعقیب یا منع تعقیب یا موقوفی تعقیب انتظامی و بایگانی شدن پرونده، بدون اشاره به هویت قاضی طرف شکایت از طریق مقتضی از قبل پست الکترونیک و پیامک به اطلاع شاکی یا نماینده قانونی وی می‌رسد. دادن تصویر اظهارنظر مقامات دادسرا و کیفرخواست به شاکی انتظامی ممنوع است.

ماده ۱۸- در صورتی که عمل ارتکابی علاوه بر عنوان تخلف انتظامی عنوان جزایی نیز داشته باشد، دادستان پس از جری تشریفات رسیدگی مقرر در ماده ۳۹ قانون، مدارک مربوط را جهت رسیدگی به مرجع صالح کیفری ارسال می‌دارد. رسیدگی انتظامی به تخلف و نیز در صورتیکه فعل واحد دارای وصف انتظامی و وصف مجرمانه باشد به استناد ماده ۴۳ قانون موقوف به تعیین تکلیف پرونده در مرجع صالح کیفری نمی‌باشد.

ماده ۱۹- قضات دادسرا به منظور جلوگیری از اطاله رسیدگی باید حتی الامکان از مطالبه اصل پرونده خودداری و با ارسال تصویر شکوئیه یا تصویر اعلام و ارجاع هر یک از مقامات موضوع ماده ۲۲ قانون، گزارش جریان پرونده به همراه تصویر اوراق مورد لزوم آن را از دادگستری مربوط مطالبه نمایند. در صورت ضرورت ملاحظه اصل پرونده، نحوه اقدام باید به گونه‌ای باشد که مطالبه آن موجب تأخیر در رسیدگی و اقدام نگردد و پس از وصول حداقل ظرف مدت دو ماه نسبت به اعاده آن اقدام نمایند.

تبصره - هرگاه اوراق یا اطلاعات مورد مطالبه حاوی امور سری امنیتی یا خلاف اخلاق باشد که شرعاً اشاعه آنجاییز نیست با اجازه رئیس قوه قضاییه صورت می‌گیرد.

ماده ۲۰- منظور از سایر موارد مذکور در ماده ۲۸ قانون، از قبیل عقیده دادستان به تعقیب انتظامی و عقیده دادیار به منع تعقیب، رفع نقص پرونده، عزیمت به واحد قضایی مربوط به منظور ملاحظه پرونده محلی و یا انجام تحقیق از منابع مورد نظر می‌باشد.

ماده ۲۱- اظهارنظر دادیار باید مستدل و مستند بوده و در صورت اعتقاد به وقوع تخلف نوع تخلف و ماده استنادی آن را اعلام نماید.

ماده ۲۲- دادیار پس از رسیدگی، در صورت عدم کشف تخلف صرفاً راجع به قاضی یا قصاصات مورد شکایت و یا مورد اعلام و ارجاع یکی از مقامات موضوع ماده ۲۲ قانون اظهارنظر می‌نماید.

ماده ۲۳- چنانچه بعد از صدور حکم دادگاه عالی معلوم گردد، حکم مقرر در ماده ۱۹ قانون مبنی بر تجمعیع اعمال نگردیده واحد اجرای احکام، پرونده‌های مربوط را تجمعیع و جهت صدور حکم مقتضی به آخرین شعبه دادگاه صادر کننده حکم قطعی ارسال و در صورتی که یکی از احکام قطعی از دادگاه عالی تجدیدنظر صادر شده باشد پرونده‌ها به دادگاه مزبور ارسال خواهد شد. در این صورت دادگاه، احکام قبلی را نقض و مطابق ماده ۱۹ قانون انشاء رأی می‌نماید.

ماده ۲۴- هر شخص نسبت به اشتباه یا تقصیر قاضی منجر به خسارت ادعائی داشته باشد باید بدولاً حسب مورد به دادسرا یا دادگاه عالی مراجعه نماید. در صورت احراز اشتباه یا تقصیر قاضی در دادگاه عالی مدعی می‌تواند برای جبران خسارت ناشی از تقصیر یا اشتباه قاضی به دادگاه عمومی تهران مراجعه و طرح دعوی نماید.

ماده ۲۵- دادگستری تهران مکلف است یکی از شعب دادگاههای عمومی حقوقی را که قاضی آن از تجربه و تخصص لازم برخوردار باشد جهت رسیدگی به دعاوی موضوع ماده ۳۰ قانون اختصاص دهد.

ماده ۲۶- به منظور اجرای آراء قطعی دادگاههای عمومی حقوقی قانون، معاونت اجرای احکام انتظامی به سپرستی احد از معاونین دادسرا و با ابلاغ دادستان تأسیس می‌شود.

ماده ۲۷- کارگزینی قضات قوه قضاییه و سایر مراجع ذیربطر مکلف به اجرای احکام ابلاغی از ناحیه دادسرا می باشند.

ماده ۲۸- پس از اعلام تخلف علیه دادستان، اعضای دادگاه عالی و عالی تجدیدنظر، دادستان کل کشور موظف به انجام تحقیقات مقدماتی است. چنانچه دلائل و قرائن کافی بر وقوع تخلف باشد مقام مزبور با صدور کیفرخواست پرونده را به هیأت موضوع ماده ۷ قانون ارسال می نماید. تحقیقات مقدماتی و صدور کیفرخواست توسط شخص دادستان کل کشور به عمل می آید.

#### فصل چهارم - تعلیق قاضی

ماده ۲۹- دادستان می تواند بررسی موضوع ماده ۳۹ قانون را به معاون خود یا یکی از دادیاران محول نماید.

ماده ۳۰- دادستان می تواند تکلیف مذکور در تبصره ۲ ماده ۳۹ قانون را به معاون یا دادیاری که پرونده جهت رسیدگی و اظهارنظر انتظامی به او ارجاع شده محول نماید.

ماده ۳۱- چنانچه دادستان دلایل و قرائن بر توجه اتهام به قاضی را جهت اعمال ماده ۳۹ قانون کافی نداند، پرونده انتظامی بایگانی و چنانچه مرجع کیفری صالح درخواست تعلیق کرده باشد، مراتب به آن مرجع اعلام می گردد.

ماده ۳۲- احضار قاضی در جرایم غیر عمدی که بدون تعلیق و پس از اجازه دادستان صورت می گیرد و نیز احضار قاضی به عنوان شاهد و مطلع و همچنین ابلاغ کیفرخواست و قرار تعلیق تعقیب انتظامی در صورتی که شاغل در دادگستری استان باشد فقط از طریق رئیس کل دادگستری استان مربوط و در غیر این صورت از طریق بالاترین مقام مسئول واحد قضایی مربوط و به صورت محرومانه به عمل می آید.

ماده ۳۳- با صدور حکم انفصل دائم یا سلب صلاحیت از طرف دادگاه عالی یا دادگاه عالی صلاحیت، قاضی منفصل یا سلب صلاحیت شده تا قطعی شدن حکم به واسطه انقضای موعد یا صدور حکم از سوی دادگاه عالی تجدیدنظر یا دادگاه عالی تجدیدنظر صلاحیت از کار قضایی معنی نشود.

تبصره - در صورتی که قاضی محکوم علیه از حکم صادره تجدیدنظر خواهد نماید، دادگاه عالی تجدیدنظر یا دادگاه عالی تجدیدنظر صلاحیت باید حداقل ظرف دو ماه رسیدگی و مبادرت به صدور رأی نماید.

ماده ۳۴- در صورتی که درخواست دادستان مبنی بر تعليق قاضی از طرف دادگاه رد شود با کشف دليل جدید، درخواست مجدد تعليق بلامانع است.

ماده ۳۵- در جرائم غیرعمدی و موارد اجرای محکومیت مالی چنانچه تعقیب یا اجرای حکم مستلزم جلب یا بازداشت قاضی باشد مراتب جهت اعمال ماده ۳۹ قانون به دادستان اعلام می شود.

ماده ۳۶- بازرسی محل کار قاضی در جرائم غیرمشهود، بازرسی بدنی و بازرسی از خودرو، و وسائل تحت تصرف قاضی بدون اجازه دادستان ممنوع است.

ماده ۳۷- قاضی که قبل از لازم الاجرا شدن قانون از شغل قضاe متعلق شده و پرونده وی هنوز تعیین تکلیف نگردیده نیز از مزایای ماده ۴۲ قانون برخوردار خواهد شد.

ماده ۳۸- در صورت محکومیت قاضی، یک سوم حقوق و مزایایی که به وی پرداخت گردیده قابل استرداد نخواهد بود.

فصل پنجم - رسیدگی به صلاحیت قصاص

ماده ۴۵- پس از تردید در صلاحیت قاضی از سوی یکی از مقامات مندرج در ماده ۴۴ قانون، گزارش به همراه مستندات به کمیسیون ارسال و با دستور دبیر در دبیرخانه ثبت می‌شود. در صورت نیاز به تحقیقات بیشتر با تشخیص کمیسیون تحقیقات لازم به نحو مقتضی بعمل خواهد آمد.

ماده ۴۶- کمیسیون می‌تواند نمایندگانی را جهت تحقیق و بررسی به محل اعزام نماید کلیه مدیران قضایی استان‌ها و ادارات ذیربسط مکلفند همکاری لازم را با نمایندگان اعزامی بعمل آورده و کلیه اسناد و مدارک و مستندات را در اختیار آن‌ها قرار دهند.

ماده ۴۷- رسیدگی کمیسیون محترمانه بوده و تحقیقات لازم باید تا حدامکان، بگونه‌ای انجام شود که حیثیت قاضی مزبور و تشکیلات قضایی مخدوش نگردد.

ماده ۴۸- چنانچه قاضی که صلاحیت او مورد تردید قرار گرفته است فوت کند یا بازخرید یا بازنشته و یا به هر نحو از خدمت قضایی به طور دائم منفك شود رسیدگی متوقف و پرونده امر بایگانی می‌شود.

ماده ۴۹- در صورت تکمیل تحقیقات، پرونده در جلسه کمیسیون مطرح و قاضی که در صلاحیت او تردید شده است به نحو مقتضی دعوت و پس از تفهیم جهات تردید در صلاحیت، توضیحات وی استماع و در صورت استمهال، مهلت کافی جهت تدارک دفاع داده می‌شود. عدم حضور قاضی مورد نظر مانع رسیدگی نخواهد بود.

تبصره - وقت جلسه باید طوری تعین شود که فاصله بین ابلاغ وقت به قاضی و روز جلسه کمتر از سه روز نباشد.

ماده ۵۰- در صورتی که رأی اکثریت اعضاء کمیسیون بر عدم صلاحیت قاضی باشد پرونده جهت رسیدگی و صدور حکم به دادگاه صلاحیت ارسال والا بایگانی خواهد شد.

ماده ۴۵- دادگاه عالی صلاحیت پس از وصول پرونده و تعین وقت رسیدگی، در وقت مقرر با حضور تمامی اعضاء تشکیل می‌گردد، قاضی که در صلاحیت او تردید شده جهت حضور در جلسه دادگاه و دفاع به نحو مقتضی دعوت می‌شود پس از تفہیم جهات تردید، مدافعت وی استماع و صور تمجلس می‌گردد. عدم ارائه لایحه دفاعیه یا عدم حضور قاضی مزبور در دادگاه، مانع رسیدگی نخواهد بود. در صورت ضرورت یا تشخیص دادگاه، دبیر یا یکی دیگر از اعضاء کمیسیون در جلسه شرکت نموده و توضیحات لازم را ارائه می‌دهد.

ماده ۴۶- چنانچه دادگاه عالی صلاحیت، تحقیقات انجام شده را ناقص تشخیص دهد با ذکر موارد نقص، پرونده را به کمیسیون اعاده می‌کند. کمیسیون موظف است موارد نقص را برطرف و در صورت اقتضاء با اظهارنظر مجدد، پرونده را به دادگاه عالی اعاده نماید.

ماده ۴۷- محکوم علیه می‌تواند تقاضای تجدیدنظر خود را ظرف مهلت مقرر در ماده ۴۸ قانون به دفتر دادگاه عالی صلاحیت تقديم نماید.

ماده ۴۸- در صورتی که درخواست تجدیدنظر خارج از مهلت قانونی تقديم شده باشد دادگاه عالی صلاحیت قرار رد صادر می‌نماید و این قرار قابل اعتراض در دادگاه عالی تجدیدنظر صلاحیت می‌باشد.

ماده ۴۹- پس از وصول پرونده به دادگاه عالی تجدیدنظر صلاحیت، دادگاه به اعتراض رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید. در صورت لزوم، دادگاه می‌تواند تجدیدنظر خواه را جهت ادائی توضیحات دعوت و در صورت نقص در تحقیقات، با ذکر مورد یا موارد نقص پرونده را به کمیسیون اعاده نماید. کمیسیون موظف است نواقص را رفع و پرونده را اعاده نماید.

ماده ۵۰- پس از قطعیت حکم پرونده به حوزه ریاست قوه قضائیه ارسال تا در صورتیکه رئیس قوه قضائیه آن را تائید و دستور اجرای آن را صادر نماید، مراتب جهت اقدام متقضی، از طریق اجرای احکام دادسرابه اداره کل کارگزینی قضات اعلام شود. رونوشت نامه نیز جهت درج در سوابق به دبیرخانه کمیسیون منعکس می‌شود.

ماده ۵۱ - پروندهایی که قبل از اجرای قانون در کمیسیون کارشناسی مطرح گردیده، در صورتی که منتهی به اتخاذ تصمیم نهایی در محکمه عالی انتظامی قضات گردیده و بایگانی شده، از شمول قانون خارج می‌باشد و پروندهایی که در جریان رسیدگی می‌باشد هر چند مسبوق به اظهارنظر در کمیسیون کارشناسی و محکمه عالی انتظامی قضات باشد، مشمول قانون است.

ماده ۵۲ - آین نامه در ۵۲ ماده و ۸ تبصره در تاریخ ۲۵/۲/۱۳۹۲ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید.